

مجله زبان و ادبیات فارسی
 دانشگاه سیستان و بلوچستان
 سال دوم- پاییز و زمستان ۱۳۸۳

اثر اقتباس و ترجمه در گفتگوی میان فرهنگ‌ها

دکتر فاطمه عشقی
 دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

مسأله تحقیق بر ترجمه‌ها و اقتباسات و ارزیابی دقیق و تعیین جایگاه آنها در توسعه ادبی کشورها و از آنجا اثر آنها بر تفکرات بشر بطور تنگاتنگ به دایره گسترده نیاز اصول مهم هنری، اصالت ملی ادبیات ارائه شده و ظهور اثر ادبی اصیل ارتباط دارد.

تاکنون نتایج اولیه مطالعات ادبیات تطبیقی به شیوه ای انکار ناپذیر نشان داده است که موضوع اصالت مطلق در زمینه خلق آثار هنری امکان پذیر نیست و اصالت ادبی با رد عناصر خارجی امکان ندارد.

همان‌طور که عوامل موروثی تحت تأثیر محیط در ماهیت شکل‌گیری شخصیت فرد مؤثر است همان‌طور هم خلق اثر هنری تحت تأثیر آداب و رسوم البته با قدرتی متفاوت تحت الشعاع گرایش‌های حاکم بر جامعه و فرهنگ قرار می‌گیرد.

قرن روشنگری (قرن ۱۸ در فرانسه) که به عنوان دوره ای در توسعه ادبیات اروپایی و شرقی از جمله ایران از طریق اقتباسات و ترجمه‌ها اثری فوق‌العاده نمونه بر جای گذاشت، خود تحت تأثیر شدید ادبیات بیگانه بویژه شرق در برهه ای رشد و نمو کرد که به دوره روشنگری شهرت یافت و بر تمام ادبیات و افکار جهان تأثیر گذارد.

متنی که ارائه خواهد شد تغییرات اجتماعی - تاریخی، ادبی- زیبا شناختی و روانشناختی فرهنگی را بررسی و ارزیابی خواهد کرد که توسط آنها ارزش‌های ادبی بیگانه با زندگی معنوی بومی کشورها سازگاری یافته و موجب تحول در نحوه زیست شده و اعتقاد به ارتباط میان فرهنگ‌ها را به وجود آورده است.

واژگان کلیدی: اقتباس و ترجمه، تسلسل فرهنگ‌ها، عصر روشنگری

مقدمه

بازگشتی در جهت معکوس عقربه‌های ساعت، گفتمانی برارزش اقتباس و ترجمه، دو شاخه پر بار در ادبیات تطبیقی، لازم به نظر می‌آید. تا به حال در زمینه اهمیت این وجوه نوشتاری، در انگاره‌هایمان استفهام وجود داشته است و در بسیاری از اوقات اقتباس را حقیر و یا دزدی ادبی نامیده‌ایم. منزلت و مقام ترجمه هم دست کمی از اولی نداشته و با پیش زمینه‌ای انتقادی جوهره آن‌را برگردان یک زبان دیگر دانسته‌ایم، حال آن که این دو مهم، خواه ناخواه دو شاخه پر بار در ادبیات تطبیقی به‌شمار آمده و تأثیر پر ثمری در گفتگوی فرهنگ‌ها داشته است. اقتباس‌ها و ترجمه‌ها از آثار شرقی از دوران رنسانس به بعد و تأثیر پذیری آن ادبیات عصر روشنگری و القای خواسته‌های فرزندان فرانسوی به صورت ترجمه و اقتباس مستقیم و یا غیر مستقیم با دیر پای گاهنامه‌ای به نقاط دیگر جهان از جمله ایران دوره مشروطیت، نمونه بارز این مدعا است.

مقام اقتباس و ترجمه در گفتگوی فرهنگ‌ها

جایگاه اقتباس و ترجمه، ارزیابی دقیق آنها در توسعه ادبی بطور تنگاتنگ با دور تسلسل گسترده بحث اصالت در هنر، اصالت ملی ادبیات ارائه شده و ظهور اثر ادبی اصیل ارتباط دارد.

تاکنون نتایج اولیه مطالعات ادبیات تطبیقی به شیوه ای انکار ناپذیر نشان داده است که موضوع اصالت مطلق در زمینه خلق آثار هنری امکان پذیر نیست و اصالت ادبی با رد عناصر خارجی ممکن به نظر نمی رسد .

همان‌طور که عوامل موروثی و تأثیر محیط در ماهیت شکل پذیری شخصیت فرد مؤثر است، همان‌طور هم خلق اثر هنری البته با قدرتی متفاوت تحت تأثیر آداب و رسوم و گرایش‌های حاکم بر جامعه و فرهنگ قرار می گیرد. در واقع محیط از وقایع دور و نزدیک تأثیر پذیر است در حالی که وراثت ریشه در گذشته و ریشه در فرهنگ قومی دارد که مجموعه ای منسجم از ارزش‌های هنری فراملی آن در بسیاری از قوم‌ها اشتراک دارد با آن، تشکل کامل می‌یابد .

بخصوص روشن است که پیچیدگی فرایندها در طول زمان ونه در محدوده جنبش‌های ایدئولوژیکی یا در جریان‌های ادبی کاملاً مشخص و بطور متوالی تاریخی بلکه در جوش و خروش عواملی که تغییر می‌یابند، اصالت و ویژگی‌های ملی خود را نشان می‌دهد و سرعت آن به حدی زیاد است که پدیده‌ها را در هم ریخته به نوعی دیگر متجلی می‌شود.

در این دوره رشد اجتماعی، جوشش‌ها و فعل و انفعالات روحی معنوی و پیشرفت ادبی سریع، اغلب مفهومی واحد دارند. در طی این دوران ارزش‌های حاکم بر "محیط" اهمیت دارد: اتفاقات اجتماعی و اغلب سیاسی جهت تفکر هنری را مشخص می‌کنند و از آنجا وحدت پدیده‌هایی که از نظر زیبایی می‌توانند نامتجانس باشند ساخته می‌شود. این دوران از نظر درک و سلوک مادی هنری در اصل ضد آرمانی و بر پایه عقل است .

متن حاضر کوشش خواهد کرد پیام‌های مؤثر خارج از تقلیدهای کورکورانه از بیگانه و به‌دست فراموشی سپرده سنت‌های ملی را بررسی و ارزیابی کند که به‌وسیله آنها ارزش‌های ادبی دور از مرز از طریق ترجمه و یا اقتباس با زندگی معنوی بومی کشورها سازگاری یافته و انگیزه‌هایی را برانگیخته که هدف نهایی آن تسلط بر عقل سلیم و ایجاد قدرت در تفکر باشد که بهره اش سهولت ارتباط با دنیای واقعی و هدف تعالی انسان و پیشرفت جامعه بوده است. از همین طریق هم دور تسلسل ایده‌ها و آرمان‌های جهان‌شمولی در کشورها به‌وجود آمده است.

پدیده‌هایی که باعث تغییرات در متن مبدأ شده است از مجموعه‌ای از تغییر شکل‌های اجتناب‌ناپذیر نشأت می‌گیرد. اینها می‌تواند به گونه‌ای بسیار گسترده برداشت شود و هر اثر ترجمه شده نیز از آنها تبعیت کند، زیرا اصولاً از ویژگی‌های زبان دوم (زبان مقصد) و ذوق معنوی مترجم ناشی می‌شود. اما از تطابق کامل پیام نیز باید گفتگو کرد، در این حالت فقط ساز و برگ‌های ظاهری چون لباس و فضا و اسامی تغییر می‌یابند. ظاهر اولیه اغلب غیر قابل شناسایی می‌شود و اثر اقتباس شده مانند اثری نو و جدید می‌نماید. مثال‌های پدیده اول می‌توانند در آثار همه نویسندگان حتی نویسندگان مدرن دیده شود. در حالی‌که مثال‌های پدیده دوم را باید در ادبیاتی جستجو کرد که در شرایط تاریخی - اجتماعی به وجود آمده‌اند.

اقتباس را "تجدد" سازی، محلی سازی یا بر طبق ادبیات اقتباسی، فرانسوی شده، ایرانی شده و یا عربی شده و ... غیره نامیده‌اند. اثر اقتباس شده معمولاً از منبع آن و نه از طریق اثر خلق شده جدید ارزیابی می‌شود. اثر مزبور حتی اغلب به عنوان نمونه عاری از اصالت ادبی در طول یک دوران مورد بحث قرار می‌گیرد. با دید گاهی که ارائه خواهد شد، ارزش درجه تأثیر درک اقتباسات مانند یک گفتگوی معادل بین فرهنگ‌ها یعنی پیش گرفتن راه خلف و عکس شاید لازم به نظر رسد. بدین طریق که محققان در مورد اثر اقتباس شده درجه اصالت محلی و توسعه معنوی عرضه شده را انعکاس دهند. اما بطور کلی اقتباسات می‌توانند دارای ویژگی‌های اجتماعی - تاریخی، زیبا شناختی یا روانشناختی باشند. این ویژگی‌ها در رابطه با قرن روشنگری در سه عامل اصلی قابل بررسی است: غیر اتفاقی نبودن گاهنامه‌ای یعنی دیر پایی توسعه ادبی ملی در چند دهه به نسبت پیشرفت در کشور مبدأ، ناهماهنگی اصول سبک‌شناسی و زیبا شناختی بر گرفته از چند مکتب متفاوت ادبی و محافظه کاری ویژه کشورهای پذیرا که بطور تنگاتنگ پیوند با اصول مردم ریشه در سنت ادبی عامیانه محلی و مردمی داشته‌اند. مقدم‌ترین عامل میان این عوامل در کشورهای اقتباس‌کننده، شرایط واضح تاریخی است. دومین و سومین نتیجه این وضع مقدماتی، تغییراتی است که در مقیاس وسیع تحت تأثیر آثار ادبی اصیل اقتباس شده به وجود آمده است.

تأثیر پذیری قرن روشنگری (هجدهم) از ادبیات شرق

از قرن روشنگری به عنوان نمونه دوره ای در توسعه ادبیات اروپایی یاد می شود. نفوذش به نقاط دیگر جهان مثال گویایی از انتقال پیام‌ها و آرمان‌ها است که زمینه تأثیر پذیری‌های بسیاری را فراهم کرده است. به ویژه در رابطه با ادبیات خرد که به موازات ادبیات کلان حرکت نمی کند و از نمونه های کلاسیک جدا می شود. گرچه نمونه های کلاسیک، خود نیز تأثیر پذیرفته از یک سری اقتباسات و ترجمه ها از دوران باستان یونان است که در وسعت زیاد قوانین کلاسیک را نیز در بر می گیرد (این مهم نیز بحث طولانی در بر دارد زیرا قوانین سبکی به منظور شکل آرمانی و ایجاد موقعیت زیبا شناختی با ترجمه از کتب فلاسفه یونانی بخصوص ارسطو حاصل شد). در ادبیات خرد مجموعه ای پیام ترجمه شده یا اقتباس یافته را در می یابیم که بطور بی سابقه ای از ادبیات دیگر جوامع تاثیر پذیرفته و بعد به همان نقطه یا به دیگر نقاط از طریق ترجمه و یا اقتباس القا شده است.

از اواخر قرن پانزده، پس از کشف آمریکا و زیر و روی تفکر در اروپا بویژه دوره رنسانس در فرانسه و حلول اختلاف بین مسیحیان و به وجود آمدن شاخه معترضین (پروتستان‌ها) سیاحان بسیاری تصمیم به سفرهای طولانی برای شناسایی کشورهای ناشناخته مانند: چین و ژاپن، سیام و هندوستان و ترکیه و ایران که نام بعضی از آنها فقط در جنگ‌های صلیبی برده شده بود، گرفتند. آنها اغلب یا مبلغین مسیحی و یا تجار پروتستان بودند که برای نجات جان خود و ارضای کنجکاوی‌های مذهبی دست به سفرهای طولانی زدند و تمام آموخته های تجربی خود را همراه با عقایدشان به صورت خاطرات در سیاحت نامه هایشان که اوج آن در اواسط قرن هفده است، به رشته تحریر در آوردند. این ادبیات در بحبوحه مکتب کلاسیک چنان مشهور گشت که مهمترین آنها در خارج از کشور و یا باسانسور به چاپ رسید (CHARDIN, 1811, 10 vol) پس از انتشار و رواج سفرنامه ها گروهی از نویسندگان مستقیم و یا بطور خیالی سیاحت نامه هایی نوشتند که در آنها همه گونه انتقادی مطرح شد. آنان به فرانسویان آموختند که خارج از فرانسه، در سرزمین های دور مردم با تمدنی زندگی می کنند که خوشبخت تر از اروپاییان که خود را وارث علم و هنر می دانند، هستند. هر چند زندگیشان از خوردن و پوشاک، آب و هوا تا سرگرمی و زبان و فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی متفاوت است ولی ثروتمند بردبار و فیلسوف و غنی و رستگارند. این پیام‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی، روانشناختی، تاریخی و یا

حتی مزاح و هزل چنان اثری بر جای گذارد که ماخذ دلایل تمام متفکران قرن هیجده ازمتسکیو وولتر تا روسو و فلاسفه دایره المعارف جهانی شد. در مورد ایران. کتاب‌های معرفی شده چون قرآن، اوستا، هزارویکشب، گلستان‌سعدی، کلیله‌و‌دمنه‌و‌انوارسهبلی (حدیدی، ۱۳۷۳، ص ۲۷ و ۴۷) و ... تا آنجا شهرت یافت که فعالیت برای ترجمه و تفسیر آیه های قرآنی (که ۲۴ بار ترجمه شد) بالا گرفت (همان، صفحه ۱۱۹). اوستا در رابطه با یکتا پرستی زردشتیان به منظور انتقاد از مسیحیان بخاطر احساس بر تری و خلل در فلسفه توحیدی شان جدلی را برانگیخت که تا اواسط قرن روشنگری ادامه یافت و منجر و سفر انکتیل دوپرون به هند و ترجمه اوستا (Anquetil, 1704. 1 Ivol) شد. ترجمه واقتباس هزارویکشب توسط گالاند (galland, 70411) Vol: باعث توسعه نثر بدیع در ادبیات رویی فرانسه گردید. تاثیر بی مانند آن باعث ترجمه داستان‌های دیگری بانثری سلیس تر به‌عنوانی چون "هزارویکروز، قصه های ایرانی" توسط پتیزدولا کروا شد. 5vol; les Mille et un jour contes persans; Fran, ois, petis de la Croix

بر عکس نثر هزار و یک شب که تحت تأثیر نثر شرقی، تصنعی بود این دیگر کاملاً با نثر روایی فرانسوی مطابقت داشت اما تقلید بدیعی از هزار و یک شب به‌شمار آمد. از همین رو تا آخر قرن هیجدهم رمان‌های بسیاری کم و بیش تحت همین عنوان چون هزار و یک ساعت، (۱۷۳۳) هزار و یک ریح (۱۷۱۲) هزار و یک عنایت (۱۷۱۷)، و غیره را نوشتند برخی هم عیناً از داستان‌های هزار و یک شب به سبک شرقی وعده دیگر تنها از عنوان داستانهای هند و ایرانی استفاده کردند اما افسانه های متداول اروپایی و گاه حوادث روزانه را به رشته تحریر در آوردند. از خلال آنها نهادهای اجتماعی و یا دشمنان و مخالفان خود را به باد انتقاد گرفتند و بالاخره دسته سوم کسانی بودند که حتی از تقلید نام‌های شرقی خود داری کردند و فقط چهار چوب داستان نویسی به این طرز را اقتباس کردند.

در این میان باید همچنین از مترجمانی یاد کرد که با اقتباس و ترجمه های علمی پل اعتباری برای اطمینان بخشیدن به پیام‌های سیاحت گران زدند. از میان آنان بخصوص باید اینجا در درجه اول از "فرهنگ شرقی یا لغت نامه جهانی" نام برد. این لغت نامه گرچه با واژه جهانی معروف شد اما اطلاعاتش به منزله شناسایی کشورهای ترکیه، عرب و ایران بود که اثر هر بلو دو مولن ویل (Herbelot, 1967, in fol) است. بدین ترتیب شناسایی شرق در زمینه ها یرمان، هزل،

فلسفه و علوم سرعت یافت، متفکرین برای شناخت شعرا و بزرگان ایرانی، هندی و ترک و چینی از یکدیگر گوی سبقت ربودند و در کتابخانه‌هایشان شروع به جمع‌آوری خاطرات سیاحان، ترجمه کتب دینی و ادبی شرقی کردند. مدلل این ادعا بحث‌ها و همان جدال‌های فلسفی (جدل بر فلسفه زرتشت) و بحث تسامح در "قران" که در سراسر آثار فلسفی از "روح القوانین" منتسکیو تا تتبع بر اخلاقیات ولتر و بحث بر نابرابری و قراردادهای اجتماعی "از روسو و بالاخره مقالات: اسلام، محمد، زرتشت، زند اوستا در دایره المعارف دیدرو دلیل این ادعاست. خارج از مباحث فلسفی، اقتباسات و ترجمه‌ها از سبک و زیبا شناختی شرقی هم بی بهره نماند بطوری که در دربار لوئی چهاردهم به سبک ایرانیان لباس پوشیدند. سبک نوشتاری در رمان عصر رو شنگری مانند "نامه‌های ایرانی" مونتسکیو، حکایات فلسفی ولتر چون "زئیر" قیاس بین تمدن مسیحی و اسلامی، زولیم درباره بردباری و تسامح "بابک و فقیر" حکایتی با عنوان ایرانی اما انتقادی از اخلاقیات فرانسوی‌ها، شاهزاده خانم بایلون تأثیر میسوط محتوای عرب و ایرانی و بالاخره معروفترین زدیک یا صادق در مدح فهم و دانش زردشتیان بنوع شرقی نگاشته شد. در تتبع بر اخلاقیات "هم بخش عمده‌ای را ولتر به ایران تعلق می‌دهد. او بخشی از گلستان سعدی را ترجمه کرد که در واقع بیت‌هایی از بوستان (۲۹ تا ۴۱) در حمد و ثنای خداوند یکتاست که آن را از سفرنامه شاردن برداشته و به صورت شعر بی قافیه در آورده است. دیدرو هم متعاقب او در "مکاتبات ادبی اش" و همچنین در دایره المعارف از سعدی به عنوان انسانی برخوردار از روح والا یاد می‌کند. در مقاله "سارازین Sarrasin" همانطور که خود اشاره دارد شناسایی او از گلستان از ترجمه لاتینی کتاب ژانتیوس است (حدیدی ۸۸). هر یک از پیامهای سیاحت نامه‌ها در مورد تمدن غنی در شرق همراه شرق داستان‌ها، مثال‌ها، معرفی اشخاص برجسته، اعتقادات و دید فلسفی‌اشان که در راه تساهل و تسامح، یکتا پرستی، سلطنت پادشاهان نمونه، یا بطور مستقیم یا اقتباس و یا تفسیر در صنایع مختلف ادبی اعم از شعر، تأثر، رمان، تبعات و تمثیل و عبارات بارها و بارها بصورت نقد فلسفی به منظور تغییر اخلاقیات جامعه و اعتلای آن به سطح آرمانی استفاده شده و همانطور که پل هزارد (Hazad, 1935) اظهار می‌دارد تمام عقاید انقلابی که در ۱۷۶۰ و حتی در ۱۷۸۹ اظهار شد در ۱۶۸۰ به رشته تحریر در آمده بود. بدین

ترتیب آنها از طریق ترجمه و اقتباس هایشان قدمی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در راه انقلاب کبیر فرانسه برداشتند.

تدثیر پذیری کشورهای اروپایی و غیر اروپایی از دوران روشنگری

پذیرش چندگانه مطالب توسط کشورهای مختلف هم همان پیوند نویسندگان فرانسوی به رنسانس و کلاسیسم به قرن روشنگری و به ابتدای رئالیسم است. در طی دوران، نویسندگان، عقاید و سبک قرن روشنگری را به منظور همان پیشرفت پذیرا شدند. این نوع آثار ویژگی ادبی اروپای مرکزی و جنوب شرقی آسیا مانند ترکیه، ایران و ... را در اواسط قرن نوزده بخصوص در بر می گیرد. طی این دوران در توسعه ادبیات این کشورها پدیده های نسبتا مشابه در خور تأمل مشاهده می شوند. در این نوع ادبیات هم پیشرفت نسبتا کندی مانند شکل گیری آرمانی و زیباشناسی قرن روشنگری در مقایسه با قسمت های دیگر غرب مانند پذیرش چندگانه عقاید روشنگری و کلاسیسم، ابهام در اصول زیبا شناختی، خط مشی ویژه نسبت به رمانتیسیم و اصول ملی در ادبیات، همچنین ارج نهادن به کار ترجمه، تقلید و بازسازی آثار ادبی به چشم می خورد. همان طور که روزه بوئر اطریشی در توسعه دوران این کشور نقش مؤثر نویسندگان انگلیسی چون پوپ، سوئیفت، آدیسون، فیلدینگ، ریچارد سون و از فرانسه راسین، مولیر، کورنی و دیدروواز آلمان و پلندبه ویژه لسینگ (Roger, 1985; P140) را بسیار تعیین کننده دانسته است، نقشی مشابه هم در توسعه ادبیات رنسانس بلغار توسط دافو، بایرون، مولیر، فنلون ولسینگ شیللروهن ایفا شده است. به همین روال هم، باورق زدن قسمت خاصی از ادبیات نوین فارسی چون پیدایش رمان در قرن نوزده می بینیم که تحت تأثیر شرایط سیاسی اجتماعی خاص با تغییر و تحولات در عهد قاجار و توسعه مطبوعات و برقراری ارتباط با غرب از طریق سفرهای علمی دانشجویان ایرانی و تأسیس مدارس توسط اروپاییان و ترجمه های پی در پی آثار قرن هفده ازدکارت و مولیر (مردم گریز، پزشک اجباری) و قرن روشنگری از آثار تاریخی ولتر (شارل دوازدهم)، مونتسکیو، روسو، فنلون، لو ساژواز قرن نوزده، تاریخ ناپلئون، الکساندر دوما، ژوول ورن، ادوارد گیون از انگلستان سوئیفت دافو (کریستف ۱۳۷۷، صفحه ۲۰)، نه تنها در سطح سیاسی و اجتماعی نقش اساسی در جنبش مشروطیت در اواخر قرن ۱۹ ایفا کردند، بلکه در زمینه ادبی - آموزشی مرحله جدیدی گشودند و در ترجمه نقشی کاملا ابتکاری و نو آور به

ثبوت رسید. در واقع، ملاک تفکرات این دوران تا حد زیادی برای روشنفکران اتریشی مانند مردان ادیب بلغاری و ایرانی دورهٔ رنسانس ملی را گواه بود زیرا خواسته‌ها، بطور تنگاتنگی با نیازهای معنوی و با واقعیت اجتماعی و فرهنگ ذاتی این کشورها پیوند می‌خورد. ایران در نیمهٔ دوم قرن نوزده کوشید با فرهنگ غرب آشنا شود و برای پیشرفت خود به شناسایی الگوهای غربی پرداخت. طبیعتاً برای این منظور به نویسندگان آثار تاریخی و تعلیم و تربیتی روی آورد. در حقیقت این جوهر عقیدتی، دوران پر فراز و نشیب معنوی کهن را به رنسانس، کلاسیک و قرن روشنگری پیوند داد و علی‌رغم مشاجرات بین مکتب‌ها و سبک‌ها، نهاد-عقل در مقابل خیال و جهان واقعی در مقابل دنیای توهمات طی دوران، دست نخورده و بدون تغییر باقی‌ماند. در نتیجه تصورات معنی تقابل با احساسات به‌خود نگرفت... به‌همین دلیل هم لسینگ و کورنی در ادبیات اطریشی، لسینگ وژان پل ریشتر در ادبیات بلغار و مولیروولترو روسووالکساندرودو مادر ادبیات فارسی همزمان با همان درک و فهم در ادبیات مؤخر پذیرفته شدند. با توجه به دیدگاه مزبور این "تاخیر" مزیتی خاص را آشکار می‌سازد و آن آمیختن مکتب‌های مختلف و سبک‌های متفاوت هنریست که در تبلور آنچه که در عصر بزرگ معنوی اساس و پایه است، سهیم می‌شود و در بطن ادبیات ملی، ویژگی خاص و برگزیدهٔ خود را توسعه می‌دهد.

ادبیات فارسی دورهٔ رنسانس ملی (قرن ۱۹) (همان کتاب- صفحه ۷۱-۷۰) شامل ترجمه، اقتباس و تألیف از آثار خارجی بخصوص فرانسوی و روسی، اغلب از اصل منبع اثر نبوده بلکه از ترجمه از زبان دیگری مانند ترکی و یا عربی هم ناشی شده است و یا حتی اگر اصل اثر انگلیسی بوده از فرانسه در درجهٔ اول ترجمه شده مانند حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه. اگر ترجمهٔ اثر در قسمت‌هایی کوتاه به یک اقتباس تن داده باشد، اثرهای ادبی پیچیده از عناصر بیگانه و ملی نتیجهٔ نتیجهٔ نهایی ارتباط بین چند فرهنگ می‌باشد.

وفاداری نسبت به متن اصلی (که شاید از متن ترجمه شده به زبان دیگری باشد با توجه به اثر جدید) دارای درجات مختلفی است. - ترجمه یا اقتباس - دو نوع برداشت اساسی از اندیشهٔ نویسنده را بیانگر است: تغییر آگاهانه در متن اصلی و یا تغییر شکل فی البداههٔ متن، که انعکاس دهندهٔ پای بندی به سبک دوره و حد خلاقیت مترجم است. مثالهایی از این قبیل را می‌توان در ادبیات ملی و بطور همزمان در هر دو نمونه یا در چندین نوع سبک ادبی یافت.

گرایش آگاهانه به صحت مطالب و رعایت اصول و قوانین می تواند نتایج هنری متفاوتی را به همراه داشته باشد که عبارتست از بیان کلی از مفاهیم منطقی تا تغییر متن با احتساب ویژگی های بیانی زبان دوم. پس مضمون معنوی اثر و توجیهاات مترجم باید مد نظر قرار گیرند. چنین تغییری می تواند بسختی از تغییر فی البداهه در یک اثر خارجی متمایز شود و آن هنگامی است که یک اثر نو یا بدیع تجلی یابد. در رابطه با مشکلات اقتباس می توان یک ارجحیت به تلاش های مترجمی که آگاهانه به تغییر اثر خارجی می پردازد، داد.

در ادبیات رنسانس ایران، شمار قابل توجهی می توان یافت مانند (مردم گریز اثر مولیر) از میرزا حبیب اصفهانی که از نویسندگان ناراضی ایران در دوره قاجار است (۱۸۳۶-۱۸۹۷) که از مراتب مختلف اقتباس چون تغییر آگاهانه در متن اصلی برخوردار است.

اسامی شخصیت های نمایشنامه به نام های ترک و ایرانی و اشعار فردوسی و حافظ و انگاره های آشنای فارسی، طبع ایرانی را به سوی پیام نمایشنامه که همان انتقاد از فساد و انحطاط دربار بوربون هاست و اتفاقا با دربار ناصر الدین شاه کاملا انطباق دارد، جلب می کند. (مجله مترجم شماره ۲۸ زمستان ۱۳۷۷ صفحه ۳۴-۶۵) این بدان معناست که اقتباس در درون مایه انجام شده است، اما پیام به متن اصلی وفادار است. دو اثر طالبوف که مظهر کامل تلاقی بین دو نظام ادبیات و تعلیم و تربیت است: کتاب احمد که قالبی کاملا ادبی دارد شامل سلسله صحبت های پند آمیز علمی درباره علم هیئت و طبیعت که اقتباسی است از ترجمه یک کتاب فرانسوی به عنوان چراهه این جهت (کریستف بالائی همان کتاب صفحه ۲۷۵) و فلسفی است با اندیشه های سیاسی و اجتماعی که به زعم پدر باید توشه راه یک انسان متجدد یعنی پسر جوان او باشد (۱۸۹۴) و مسالک المحسنین یک سفر نامه تخیلی است. از خلال آموزش های این دو کتاب به شیوه فلسفی آموزشی روسودر اصیل، بحث نظری و طولانی درباره (مجله مترجم شماره ۲۸ زمستان ۱۳۷۷ صفحه ۳۴-۶۵) مسأله تعلیم و تربیت بر می خوریم، که انطباقی انتقادی و اصولی با تعلیم و تربیت جامعه ایران دارد. طالبوف از طریق ترجمه روسی آثار فلاسفه و متفکرین فرانسوی انگلیسی و آلمانی هجدهم و نوزدهم را شناخت (همان کتاب صفحه ۴۹) و به طور یقین خود به زبان فرانسوی که در زمان اقامتش در روسیه به عنوان زبان دوم تدریس می شد. تسلط داشته (صفحه ۷۵) و به طور دلخواه دست به تغییر ساختار آثار خود زد. این که به

گفته بعضی از اقتباس‌کنندگان دقت به صراحت ضرر می‌زند توسط بعضی از منتقدین مانند کار. وولف رد شده و توسط بعضی هم چون بوگدان گرانف مورد قبول قرار گرفته است. مترجم اسامی، صورت ظاهر مثل لباس و بعضی از جزئیات زندگی را تغییر داده و نحوه عملکرد و بعضی از فعالیت‌ها را تلفیق کرده و بعضی از قسمت‌های متن را که قابل درک نیستند، یا از بین می‌برد و یا با تغییراتی که برای اخلاقیات پذیرفتنش ثقیل به نظر می‌رسد یا با ذائقه خواننده و یا برای روحیه و سبک زمانه خوش می‌آید، تطابق می‌دهد. اما هیچ ادعایی به‌عنوان همکار نویسنده ندارد و اثر خود را به‌عنوان یک ترجمه ارائه می‌دهد و معتقد است که اصلاحات انجام شده کاملاً دارای انسجام و هماهنگی با وظایف مترجم است و آثار خارجی را تا نهایت درک کرده و موارد اشتباه را برای خواننده به حد اعلا قابل فهم ساخته است.

مرحله بعدی اقتباس، انطباق آگاهانه است که عمیقاً به محتوای عقیدتی و ایدئولوژی اثر خارجی می‌رسد. ساختار کلی موضوع حفظ شده تغییراتی را که در قسمتی از متن انجام یافته پنهان نشده اما اغلب به این مطلب هم اشاره نمی‌کند که قسمت تغییر داده شده متن چیست و نویسنده آن چه کسی است. طالبوف بر تفاوتی که بین احمد و الگوی او امیل وجود دارد تأکید می‌ورزد و اظهار می‌دارد که احمد هوش و استعداد ذاتی غریبی دارد که فقط مخصوص این خاک پاک است. "به زعم او فقط "طرح کتاب" مرهون روسو است، در حالی که اثر طالبوف جدا از بخش علم هیئت که نامی از مترجم آن محمد کاظم نمی‌برد، بویژه درباره روش آموزش از اندیشه روسو الهام گرفته است. (همان کتاب ۲۷۵-۲۷۸) مترجم آنچه را که از اثر عقیدتی و تربیتی و ادبی و یا مضمون نمایشنامه ارائه نمی‌دهد برای او درجه اهمیت ثانوی دارد. این ترجمه دیگر مشخص‌کننده ویژگی عقیدتی نویسنده نیست بلکه آرمان‌های مترجم است که هدف دیگری را دنبال می‌کنند که اغلب تطابق بر اصل ندارد.

محمد زورگانی نویسنده تونسی که اقتباسی به عربی از نمایشنامه مدرسه زنان اثر مولیر را ارائه داده است، چنین توضیح می‌دهد: "بیننده تونسی خود را در نمایشنامه می‌یابد اما فرانسوی‌ها نیز نمایشنامه مولیرافورا می‌شناسند". (Zorgan Mohamad, Actes....P.143) خواننده همیشه موقعیت خود را همچون تماشاچی در نمایشنامه در هنر جستجو کرده است. پس هدف اقتباس‌کننده هم در لوای هنر محتوای آرمانی است تا آن را به عمق رسانده گفتگوی بین دو فرهنگ

مختلف را امکان پذیر کند. بخصوص در ادوار مختلف وقتی که موفقیت فرهنگی - تاریخی منعکس کننده وضعیت خاص چهره معنوی از فرهنگ مبدأ به فرهنگ مقصد باشد. مترجم آنچه را که از خارج دریافت کرده است، جمع آوری کرده بطوری که خواننده بتواند در اثری هنری، خود را بیابد. آخرین درجه اقتباس می تواند منتهی به یک اثر جدید هنری شود، می توان تحقیقاتی برای این که بدانیم کدام یک از دو اثر ادبی مشابه، انگیزه پیدایش آن دیگری را فراهم کرده به عمل آورد. اما نمی توان به خصوصیت اثر خلق شده که بعدها به وجود آمده است خرده گرفت. حتی مضمون واژه اقتباس در اینجا جا نمی افتد. و این همان مضمونیهایی است که در جهان جریان دارند و در یک فضای معنوی فوق ملی متجلی می شوند و مردم نیز با آن در ارتباط قرار می گیرند. این شامل موضوعات مختلفی است که در متون انجیل برای افرادی تحت تأثیر مسیحیت با فرهنگهای مختلف شکل پذیرفته است، یا مطالب با ویژگیهای محلی مشترک (تساهل و تسامح) که پیامبر سلام آن را همه جا سفارش کرد در قرن هیجده به دلیل همزیستی مخاطره آمیز کاتولیکها و پروتستانها بار دیگر مورد ستایش فلاسفه ای چون مونتسکیو، و لتر، روسو و علمای دایره المعارف قرار می گیرد و آن را با مباحثات در تمام آثار خود چه به صورت نقل قول و چه بصورت اقتباس اشاعه می دهند. کافی است در این مورد به نمایشنامه ولتر به عنوان توله رانس (Voltaire, Les Guebers ou la Tolerance, Geneve, 1769) یا مباحثات و آثار تحقیقاتی او چون تتبع بر اخلاقیات (Essai sur les mœurs, chapitre VI, VI;;) و فرهنگ فلسفی رجوع کرد.

نویسنده یک کشور از موضوعات مختلف اقتباس کرده و به سلیقه خود مطالب را تغییر محلی می دهد آنچنان که گویی به او تعلق دارد، بدون این که اشاره ای به مسیر اثر دیگر بر این اساس که از قبل وجود داشته بکند. مترجم هم در جریان ترجمه احساس نمی کند که مرتکب دستبرد ادبی شده است زیرا او ساختار موضوع ترجمه شده را به عنوان ملک مشترک می داند. درست همانند خواننده ای مردمی که موضوعاتی بر پایه مطالبی گوناگون اما بسیار آشنا را که نویسنده در آن از دیگری تقلید کرده است، بخواند. به علاوه غالباً اصل اثر نیز در ارتباط با اثری دیگر متجلی شده است یعنی همان دستبرد ادبی، به زبانی دیگر یعنی منبع آن از جای دیگری گرفته شده است. مهم نیست از کجا بلکه حاصل کار قابل اهمیت است چرا که اگر نتیجه کار ما

به یک اثر هنری معروف ختم شود براحتی الگوهای آن را به دست فراموشی می سپاریم. برعکس از الگوهای نویسنده معاصری که نسبت به پیشینیان در سطحی متوسط تر قرار می گیرد چشم پوشی نمی شود، همچنان که مترجمان آثار مشهور معتقدند که ادبیات به معنای تکمیل یک وظیفه اجتماعی می باشد و بدین منظور باید با نیازها و خواسته های ناشی از این وظیفه تناسب و هماهنگی داشته باشد حتی اگر اقتباس انجام گیرد، تمام درجات اقتباس نمونه های مشخصه ای از گفتگو میان فرهنگ‌ها را به همراه دارد. هر کشور با شرکت در این گفتار، ویژگی، ماهیت و سرنوشت تاریخی خود را بنا بر پاسخ خاص منحصر به فردش ارائه می دهد. از آنجا که خواسته ها مشترک است، گاهی افکار و عقاید کاملاً با هم تطابق پیدا می کنند، اما چنین نیست که شرکت کنندگان در این گفتگو ویژگی ملی خود را از دست بدهند. نقطه آغازین یک گفتار محرک از سوی یک همفکر و یا یک همدل شروع شده، اما گاهی ممکن است قسمت منتخب بر حسب زمان و مکان، برداشت و تصورات فردی و یا دسته جمعی کمی بر جسته تر یا اضافه تر باشد و یا آنقدر تغییر کند که از چهار چوب گفتاری شروع شده بسیار متفاوت به نظر رسد، و هر شرکت کننده در این گفتگوی میان فرهنگ‌ها چیزی غیر قابل تقلید که باعث گسترش تبادل معنوی مداوم بین مردمان شود، اظهار دارد.

نتیجه

مجموعه آثاری که بر انقلاب فرانسه اثر گذاشت همه بر گرفته از یک سری پیام‌هایی بود که از دوران رنسانس قوت گرفت. این پیام‌ها در اثر ترجمه و یا اقتباس بیشتر از کشور های شرق تأثیر پذیرفت. آنها شامل پیام‌های فلسفی، تاریخی، اجتماعی و ادبی بودند که به خاطر فضای آماده عصر روشنگری از آنها برای اهداف متعالی در راه پیش برد جامعه ای پیشرفته و در خور مقام انسانی استفاده شد.

پیام‌های مشمر همین دوران با دیر پایی گاهنامه ای و امتزاج سبک‌ها به نقاط دیگر اروپا و بعد به شرق از جمله ایران راه یافت که دور تسلسل بین فرهنگها را گویاست. لازم به نظر می رسد که اثر اقتباسی و ترجمه شده به جای ارزیابی منبع، از طریق نقد اثر خلق شده جدید ارزیابی شود و اصالت ادبی محلی و توسعه معنوی عرضه شده انعکاس یابد. در واقع ترجمه و اقتباس

را بهتر است از ابعاد ویژه تحقیقاتی بنگریم و انگاره‌هایمان را از پهنه نفی به منظور حفظ اصالت ملی به دنیای باز ادبیات تطبیقی و تأثیر پر ثمر دور تسلسل گفتگوی فرهنگ‌ها معطوف نماییم .

منابع

- 1- Atkinson(Geofroy),Les relations des voyages du XVIIeme siecle et l er. Evolution des idees, Paris, 1927.
- 2- Anquetil du perron, Traduction de Zend – avosta ouvrage de Zoroastre, Paris. 177 1,2 tomesen 3 vol.
- 3- Beroukhim(Moussa)La pensee iranienne a travers l histoire Digon, 1938.
- 4- Bauer Roger, Actes du 2 erne traduction litteraire 1985.
- 5- Chardin Jean, Les voyages en Perse et autres lieu de l Orient . nouvelle edition Paris, Le Normet , 181 I,IOvol.
- 6- Christophe Bal ay , La genese du roman persan moderne, Paris, 1998 11-
- 7- Duchesne Guillemine (Jacques), The westerner reponse to zoroastre, Oxford,J.958.
- 8- Galland Antoin,Les Mille et une nuit, contes Arabes,Paris 1704, II vol 1715.
- 9- Hasard Paul,La crise de conscience europeenne 1680- Paris, 1935.
- 10- Herbelot de Molinville, Bibliotheque Orientale ou Dictionnaire Universel,Paris Compagnie des Libraires, 1697.
- 11- Keddi (N.R.),Religion and rebellion in Iran, the tobacco protest of 1891-2, London 1966.
- 12- Lambert (J.)Production Tradition et importation , une clef pour la description de la litterature et de la litterature en traduction, revue canadienne de la litterature compare 1978, Vii.
- 13- Larbaud(Valery),De la.trduction , Arles., actes . sud, 1984.
- 14- Martino, LOrient dans la litterature francaise au xvii er au xviiieme siecle Paris 1908.
- 15- Montesqieu, les Lettre persanes, Presentation par.Carcasson, 1929.
- 16- Meschonic (H.),Les Cinq Rouleaux,Paris Gallimard, 1970.
- 17- Steiner (George), The manipulation of literature, studies in literature translation London 1985.
- 18- Voltaire, oeuvres completes,edition Garnier,Paris 1965.